



شما در حال مطالعه نسخه آنلاین یکی از مقالات «زبان مستر» هستید. لطفاً توجه داشته باشید که در این نسخه، برخی امکانات تعاملی مانند پخش صوت، ویدیو و تمرین‌های هوش مصنوعی در دسترس نیستند. برای مشاهده نسخه کامل و آنلاین مقاله، همراه با امکانات آموزشی و تجربه کاربری بهتر، [اینجا کلیک کنید](#).

تفاوت get و take در زبان انگلیسی + آموزش ویدیویی

ارسال شده توسط علی بهادری ۱۴۰۰/۰۹/۱۸ مقالات زبان انگلیسی ۱۷.۰۱k بازدید





آموزش ویدیویی

تفاوت get و take زبان انگلیسی



تفاوت get و take در زبان انگلیسی

تفاوت **get** و **take** در زبان انگلیسی در چیست؟ زمانی که در دفتر کار پیامی را از کسی دریافت می کنید، کدام را انجام می دهید: **take a message** یا **get a message**؟

هر دوی آنها درست هستند، اما بیایید کاربرد این دو فعل را بفهمیم. کاربرد دو فعل **get** و **take** برای بسیاری از زبان آموزان گیج کننده است، و هدف ما در این مقاله این است که تفاوت میان این دو فعل رایج را مشخص کنیم.

اگرچه **get** و **take** معنای مشابهی دارند، تفاوت های مشخصی میان این دو وجود دارد که می تواند منظور جمله را در صورتی که هر کدام از آنها را استفاده کنیم کاملاً تغییر دهد. بنابراین، در این درس از **آموزش زبان انگلیسی** زبان مستر می خواهیم نگاهی به معنای دقیق هر فعل و تفاوت بین آنها بیندازیم.

این که کدام یک از این دو را انتخاب کنیم، بستگی به این دارد که فاعل یا همان subject جمله چقدر اکتیو و در انجام کار وابسته به خود است و این که به چند نفر برای انجام کار لازم است. در زمان استفاده از take، فاعل اکتیو است، و نیازی به هیچ کس دیگر برای کامل کردن آن کار ندارد. با get اما، فاعل معمولاً چیزی را از افراد دریافت می کند و در این فرآیند نیاز به یک فرد دیگر یعنی دهنده نیز هست.

آموزش ویدیویی get و take در انگلیسی

موارد استفاده از فعل take در زبان انگلیسی

- زمانی که چیزی را به شکل اکتیو و فعالانه می گیرید (معمولاً با دست خودتان) و احتمالاً برای استفاده خودتان

مثال ها:

Take my business card and call me if you have any questions.

کارت ویزیتم را بگیر و اگر هر سوالی داری با من تماس بگیر.

If you want more information, please take a leaflet.

اگر اطلاعات بیشتری می خواهید، لطفاً یک بروشور بردارید.

I always prefer to take a shower in the morning.

همیشه ترجیح می دهم صبح دوش بگیرم.

If the headache doesn't get any better, take this pill.

اگر سردرد بهتر نمی شود، این قرص را بخور.

Take an umbrella, it's rainy season here.

چتر ببر، اینجا فصل بارانی است.

- چیزی را با یا بدون اجازه به دست آوردن

I **took** a few candies from that stand.

چند آبنبات از آن استند برداشتم.

That man **took** my car when I was at the convention.

آن مرد ماشینم را زمانی که در همایش برد.

- محل چیزی یا کسی را تغییر دادن (رساندن یا بردن یک چیز یا یک نفر) (مشابه فعل carry)

Take these copies to the meeting room, please.

این کپی ها (کاغذها) را به اتاق جلسات ببر لطفا.

I need to **take** my daughter to school.

لازم است دخترم را به مدرسه برسانم.

When you come to New York for the convention, I'll **take** you to a nice restaurant for lunch.

زمانی که برای همایش به نیویورک بیایی، تو را برای ناهار به یک رستوران خوب می برم.

عبارات و اصطلاحات با فعل **take**

take a lesson	درس گرفتن / یاد گرفتن راجع به یک موضوع
take the bus	استفاده از اتوبوس (اتوبوس گرفتن)
take a photo	عکس گرفتن
take a break/rest	استراحت کردن
take place	اتفاق افتادن
take a look	نگاهی انداختن
take sth/sb for granted	قدر چیزی / کسی را ندانستن

عبارات و اصطلاحاتی که در موقعیت های تجاری و کاری می توان استفاده کرد

take a decision (or make a decision)	تصمیم گرفتن
take advantage of	استفاده از موقعیت یا سوءاستفاده از یک نفر
take something into account	چیزی را در نظر گرفتن (و به آن توجه کردن)
take part in	شرکت کردن در ...
take something seriously	چیزی را جدی گرفتن
take a seat	نشستن (در زمان گفتن "بفرمایید" هم کاربرد دارد)
take time off	استراحت کردن (و کار نکردن)
take your time	عجله نکن
take it easy	آرام باش (سخت نگیر)
take care	مراقبت کن

take somebody to court	کسی را به دادگاه کشاندن
take a call	قبول کردن یک تماس تلفنی و پاسخ به آن
take a message	گرفتن پیام برای رساندن آن به شخص دیگر
take a risk	پذیرفتن یک ریسک
take over	به دست آوردن قدرت و کنترل
take someone on (as a/an ...)	استخدام یک شخص (به عنوان ...)
take a stab at	سعی برای انجام یک کار
Whatever it takes	هر چیزی/کاری که لازم باشد ...
Take it or leave it	یا قبول کن یا نه (قابل مذاکره نیست)
Take the plunge and...	بالاخره کاری را انجام دادن یا تصمیمی را گرفتن
I take it that...	اینطور گمان می کنم که ...

موارد استفاده از فعل get در زبان انگلیسی

- دریافت یک چیز از یک نفر

She's so happy because she **got** a raise.

او بسیار خوشحال است چون افزایش حقوق گرفت.

I **got** a great score in the test.

در امتحان نمره ای عالی گرفتم.

What did you **get** for your anniversary?

برای ساگردت چه گرفتی؟

I left my phone at the counter and now it's in Lost and Found, so I have to go **get** it.

تلفنم را روی کانتر جا گذاشتم و حالا در بخش اشیای گم شده است، بنابراین باید بروم آن را بگیرم.

- خریدن یا بدست آوردن یک چیز

Where can I **get** a suit for the event?

کجا می توانم برای رویداد کت و شلوار بگیرم؟

We need to **get** a new projector for the conference room.

لازم است که برای اتاق کنفرانس یک پروژکتور جدید بگیریم/بخریم/فراهم کنیم.

- تغییر حالت و "شدن"

مثال ها: get dark = تاریک شدن / get angry = عصبانی شدن / get old = پیر شدن / get hungry = گرسنه شدن / get tired = خسته شدن

If it **gets** dark, we'll take a taxi.

اگر هوا تاریک شود، تاکسی می گیریم.

I used to like networking events more before, I must be **getting** old.

قبلا رویدادهای نتورکینگ را بیشتر دوست داشتم، باید در حال پیر شدن باشم.

• فهمیدن / متوجه شدن

I explained the new policies to the marketing manager, but honestly, I don't think he **gets** it.

من سیاست های جدید را به مدیر بازاریابی توضیح دادم، اما صادقانه، بعید می دانم آن را بفهمد.

Oh, I **get** it now! I totally understand what you mean.

اوه، الان می فهمم! کاملاً متوجه می شوم منظورت چیست.

این دو مثال که در آنها از **take** و **get** استفاده شده را مقایسه کنید:

Anna is not here now; may I **take** a message?

آنا الان اینجا نیست، می توانم پیامتان را بگیرم؟ (یعنی زمانی که آنا برگردد پیام شما را به اون می رسانم)

This morning, I **got** a new message from Sam.

امروز صبح، پیام جدیدی از سم دریافت کردم. (یعنی صرفاً پیام او را دریافت کردم و کاری نکردم)

عبارات و اصطلاحات با فعل **Get**

get home	رسیدن به خانه
get married	ازدواج کردن
get changed	لباس عوض کردن
get lost	گم شدن
get the phone	جواب تلفن را دادن
get a message	دریافت پیام
get some sleep	کمی خوابیدن
get a free ride	سواری گرفتن از بقیه و استفاده از نتیجه کارشان
get carried away	جوگیر شدن
get in touch	ارتباط گرفتن با افراد (مثلا با دوستی که با او در تماس نبوده اید)
get a ticket	بلیت گرفتن

as good as it gets	بهتر از این نمی شود
get down to business	سر اصل مطلب رفتن و کار را شروع کردن
get the ball rolling	شروع کردن یک کار
get off the ground	پا گرفتن
get ahead	موفق شدن در کار یا زندگی
get through to someone	۱- چیزی را به کسی فهماندن ۲- برقراری ارتباط تلفنی به شکل موفقیت آمیز